

**B.A. Part-III (Semester-VI) Examination
LITERATURE OF CLASSICAL LANGUAGE
PERSIAN LITERATURE**

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 80]

Note :- Attempt all questions.

1. Translate and explain any **two** of the following passages :—

16

(۱) از وقتی که ایرانیان این شهر را از دست داده اند، دیگر صحنه هنگام سپیده دمان، ظهر هار موقع در خشندگی آفتاب طرب انجیز و سط روز، عصر ها هنگام دماغ آفتاب و نیمه شبان در موقع این سکوت جهان گیر، با گل ملامت و حزین موزن و آواز عاشقانه او گوش در بندیان بد بخت که از جذب روح نواز زندگی مشرق زمین بازمانده اند، نمی رسد. این آهنگ سرو رآ میز، این زن شعر طبیعت که گویی از نوای هزارستان گرفته اند، چند یست که دیگر در رهوا لطیف این شهر بد بخت طنین نمی فکند.

(۲) اما شعر هنر است. غرض رفع احتیاج های شخصی و آنی نیست بلکه اینجا حاجات ثانوی حاجات عالی ترواطیف تر در کار است. انسان به بیان عواطف یعنی حالات نفسانی خود نیز حاجت دارد. و پنین حاجت دارد که این عواطف را بادیگران نیز میان گذارد و ایشان را در این حالات با خود شریک کند. اصل و منشاء همه ا نوع هنر همین حاجت است.

(۳) خوب یاد می آید که آن روز بعد از آنکه تخت معین شد رسماً تحت اختیار مسئول بخش قرار گرفتم، سر پرستار به شهر و پچه هایم گفت خیالشان از هر چهت راحت باشد و هر روز از ساعت دو بعد از ظهر تا هفت شب می توانند برای ملاقات بیایند. در واقع با این تذکر عذر آنها را خواست و با هم دل ناچار از من خدا حافظی کردند و رفتند. با رفتشان فضای وسیع آن سالن یا همه مریضها رفت و آمد پرستارها باد کتر صاو خدمتگاران بیمارستان به نظرم کوچک و کوچکتر شد و سرانجام به حد یک سلوی تنگ انفرا دی در آمد.

2. (A) Explain with reference to the context any **four** of the following couplets :—

8

(۱) در کوی عشق باش مقید بجا مشو
پروانه راز باغ جهان آشیان کجا است

(۲) دلبر بی خشم و کین گلبن بی رنگ و بوست
دکش پروانه نیست شمع نیفر و خنثه

(۳) در وطن خود گهر آبله پیش نیست
کی به عزیزی رسد یوسف نفوخته

(۴) هر کس شاخت قدر مرا قبیتم شکست
گوهر شناس بی غرض اندر جهان کجاست

(۵) داروی بیاریش مستی پیوسته است
چشم تو این حکمت از پیش که آموخته

(۶) قمری ریخته بالم به پناه که روم
تابه کی سرکشی ای سرو خرامان از من

(۷) نی همین می ردم آن نوگل خندان از من
می گشد خار درین بادیه دامان از من

(B) Explain any **one** of the following sets of stanzas :—

8

(۱) بود انسا در جهان انسا پرست
ناکس و نابود مند وزیر دست
سطوت کسری و قیصر رهیش
بندھا در دست و پاو گردش
کاھن و پاپا و سلطان و امیر
بهر یک تختی صد تختی گیر
صاحب اورنگ و حرم پیر کنشت
بانج بر کشت خراب و نوشت

(۲) از زمان خود پیمان می شوم
در قرون رفتہ پھان می شوم
سترزن یازونج یا خاک لجد
ستر مردان حفظ خویش از یار بد
حرف بدر ابر لب آوردن خطاست
کافر و مومن همه خلق خداست
آدمیت احترام آدمی
با خبر شو از مقام آدمی

(۳) (الف) آمد سحری نداز میخانہ ما
کای رند خراباتی و مستانہ ما
برخیز کے پر کنیم پیانہ زی
زان پیش کے پر کنند پیانہ ما

(ب) در دهر هر آنکه نیم نانی دارد
از بھر نشت آستانی دارد
نه خادم کس بودنه محروم کسی
گوشاو بزی که خوش جهانی دارد

3. Attempt the following by choosing the correct option from those given in brackets :— 16

- (۱) مجموعہ شعر انگور..... کی نظموں کا مجموعہ ہے۔ (نیایوش، نادرنا در پور، پرویز ناظل خاٹلری، پروین اعتصامی)
- (۲) کو باباے شعر نو تسلیم کیا گیا ہے۔ (ملک الشعراۓ بھار، احمد شاملو، نیایوش، فریدون تو لی)
- (۳) نیایوش کا اصلی نام تھا۔ (علی نوری، ابراہیم خان، فریدون، حسن صوفی)
- (۴) م- امید کا تخلص تھا۔ (محمدی اخوان ثالث، احمد شاملو، جعفر خامنہ ای، احمد مشیری)
- (۵) احمد شاملو میں پیدا ہوا۔ (بنجار، شیراز، تہران، سمرقند)
- (۶) نے ایران میں پہلی مرتبہ نشری نظم کا تجربہ کیا تھا۔ (نیایوش، فروغ فرززاد، فریدون مشیری، احمد شاملو)
- (۷) قیصر امین پور مجلہ کے مدیر تھے۔ (سخن، سروش، آشنا، نیرنگ)
- (۸) انقلاب اسلامی سے قبل کی شاعری میں کا عام روحان تھا۔ (اناپرستی، اخلاصیات، سماجی مسائل، لذت جوئی)

4. Write an essay on any one of the following in Persian Language :— 16

(۱) شاعر شہیر ہند

(۲) زبھر حق مرا استاد ساز یہد (شوخ انگلیز)

(۳) صحبت بدفنی

(۴) مادر من

5. Scan (قطع) any **four** couplets of the following :—

16

(۱) تو شب آفریدی چراغ آفریدم
سفال آفریدی ایاغ آفریدم

(۲) گرچه در ظاهر مسلمانیم باطن کافریم
مکر حق خصم دین غافل ز روز محشریم

(۳) سوالی کن زمن امروز تا غونا بشهر افتاد
که اعجاز فلانی کرد گویا بے زبانی را

(۴) نینی که از کاشغر تا به کاشان
همان یک نوا بالد از هر دیاری

(۵) نمی دام چه منزل بود شب جای که من بودم
په هر سورص بکل بود شب جای که من بودم

(۶) اے چهرا زیبائے تو رشک بتان آذربی
هر چند و صفت می کنم در حسن زان بالا تری